

گفته‌ها و سرگذشت‌های خواندنی



۱. شنیدن صوت قرآن، اضطراب را از بین می‌برد

بر اساس پژوهش جدید جمعی از محققان که روی مجموعه‌ای از داوطلبان در آمریکا انجام گرفته و در مجله آمریکایی «قلب» منتشر شده، گوش فرا دادن به صدای قرآنی که با ترتیل خوانده شده است، تغییرات فیزیولوژیک غیر ارادی در دستگاه عصبی ایجاد می‌کند و موجب از میان رفتن حالت‌های روحی نامتعادل همانند اضطراب می‌شود.

در این آزمایش که به کمک دستگاه‌های الکترونیکی کنترل کننده مغز انجام گرفت، مشخص شد که فرکانس موج‌های مغزی، در گوش فرا دادن به ترتیل قرآن از ۱۲-۱۳ موج در ثانیه که مربوط به حالت آرامش عمیق روحی است، کاهش می‌یابد.

به گفته این محققان، افرادی که به زبان عربی نیز آشنایی ندارند، آرامش و شادی درونی را هنگام گوش فرا دادن به قرآن احساس می‌کنند.^۱

۲. اثرات منبرهای شیخ عباس قمی

آقای شیخ قوام و شنوی در این باره می‌گویند: «مرحوم آیه الله العظمی حائری، مؤسس حوزه علمیه قم، هر ساله در ایام فاطمیه دوم در مدرسه فیضیه، مجلس روضه می‌گرفتند و از مرحوم محدث قمی که آن موقع مقیم مشهد مقدس بود، دعوت می‌کردند تا در مجلس عزاداری ایام فاطمیه منبر بروند. مستمعین که بیشتر از علما و اهل علم بودند، طوری متقلب می‌شدند که زبان از بیان آن، قاصر است. سخنان او واقعاً مصداق حقیقی «الْكَلَامُ إِذَا خَرَجَ مِنَ الْقَلْبِ، دَخَلَ فِي الْقَلْبِ» بود. و دیگر خضوع^۲ و خشوع^۳ آن بزرگوار و گریستن خود ایشان در منابر، موقع ذکر مصیبت بود که بیشتر موجب انقلاب در مجلس و مستمعین می‌شد.»^۲

از آیه الله شیخ عبدالکریم حائری پرسیدند: نظر شما نسبت به منابر حاج شیخ عباس قمی چیست؟ با یک دنیا ادب فرمودند: «هر طلبه‌ای را کنار منبر او ببینم و نشستن او را پای موعظه محدث مشاهده کنم، تا سه روز حاضر تمام نمازهای واجب خود را به او اقتدا کنم؛ زیرا منابر و مواعظ این مرد، در شنونده ایجاد روح عدالت می‌کند.»^۳

از آیه الله سید علی لواسانی نقل شده که شیخ عباس در نجف در مسجد هندی

۱. روزنامه کیهان، شنبه، ۱۳۸۴/۷/۲۳، شماره، ۱۸۳۵۷، سال شصت و چهارم، ص ۱۴.

۲. مفاخر اسلام، علی دوانی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، دوم، ۱۳۷۹ ش، ج ۱۱، بخش یکم، ص ۱۰۵.

۳. عرفان اسلامی، شیخ حسین انصاریان، ج ۱۲، صص ۲۵ و ۲۶، به نقل از: همان، ص ۱۰۷.

درست ۳ ساعت بود که صحبت می‌کرد و مجلس مملو از جمعیت و مراجع و مجتهدین بود. نامبرده می‌گوید: «خدا، شاهد است در تمام عمرم چنان مجلسی را از حیث کم و کیف ندیده‌ام و نشنیده‌ام؛ نه در چهل سال اقامت عراق و نه در سی سالی که ایران بودم.»^۱

۳. احتیاطِ خلاف احتیاط

محمد بن اسماعیل بخاری سرآمد محدّثین اهل تسنّن و صاحب کتاب «صحیح» است که یکی از معتبرترین و مشهورترین کتب حدیثی عامّه می‌باشد. «ابن تیمیه حرّانی» در «منهاج السنّة» گفته که: «بخاری، احتیاط کرد و از احادیث حضرت صادق علیه السلام در صحیح خود نقل نکرد؛ به جهت آنکه شکّ و ریبی در بعضی احادیث آن جناب برای او حاصل شده بود.»

سپس خود می‌نویسد: «و عجب است از بخاری که احتیاط کرده در نقل احادیث حضرت جعفر بن محمد - ارواح شیعته فداه - که لقب آسمانی آن جناب «صادق» است و [لیکن] مراعات احتیاط نکرده در نقل روایات از خوارج و نواصب، و از هزار و دویست نفر از ایشان روایت نقل کرده است، به تصریح ابن البیع، از جمله از «عمران بن حطّان» خارجی سدوسی که از ابن ملجم مدح کرده است.»^۲

۴. مبارزه با «ریا»

گویند: روزی مرحوم سید بحر العلوم علیه السلام را شاگردانش خندان و متبسّم یافتند،

۱. مفاخر اسلام، ج ۱۱، ص ۱۰۸.

۲. همان، بخش دوم، ص ۶۷.

سبب پرسیدند؛ در پاسخ فرمود: «پس از بیست و پنج سال مجاهدت، اکنون که در خود نگریستم، دیدم اعمالم ریایی نیست و توانسته‌ام به رفع آن موفق‌گردم.»^۱

۵. استقامت، راز نیابت

در زمان نیابت ابوالقاسم حسین بن روح، سومین نایب خاص امام زمان علیه السلام، از ابو سهل نوبختی که یکی از بزرگان شیعیان بود، پرسیدند: چگونه تو به این سِمَت (نیابت امام زمان علیه السلام) انتخاب نشدی و حسین بن روح انتخاب شد؟ وی پاسخ داد: «آنان که او را به این مقام برگزیده‌اند، خود داناترند. کار من برخورد و مناظره با مخالفان و دشمنان است. اگر من همانند حسین بن روح، مکان امام را می‌دانستم، شاید اگر در فشار قرار می‌گرفتم، محلّ حضرت را فاش می‌کردم؛ ولی اگر امام، زیر عبای ابوالقاسم پنهان شود، چنانچه او را قطعه قطعه کنند، هرگز لباسش را کنار نمی‌زند.»^۲

۶. محروم نکردن فقیران

از قول حاج ملا محمد صالح برغانی نقل شده است که می‌فرمود: پدرم گفت: در خواب دیدم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نشسته است و علما در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته‌اند و مقدّم بر همه، ابن فهد حلی رحمته الله جای دارد. تعجب کردم که این همه علما، با آن مقامات و شهرت چگونه است که همه در مقامی پایین‌تر از ابن فهد جای دارند، با اینکه ابن فهد را در میان علما چندان شهرتی نیست. از این رو، راز

۱. رساله لبّ اللباب، سید محمد حسین تهرانی، انتشارات حکمت، بی‌تا، ص ۵۵.

۲. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۲۲؛ سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص ۲۸۴.

موضوع علیه السلام را از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: علت این است که دیگر علما، هنگامی که فقیر به آنان مراجعه می‌کرد، اگر از مال فقرا نزد ایشان بود، به او می‌دادند و گرنه جواب می‌کردند؛ اما ابن فهد هرگز فقیران و نیازمندان را نزد خود محروم باز نمی‌گردانید و اگر از مال فقرا نزد او نبود، از مال خود می‌داد. این مرتبه را، از این کار یافت.^۱

نکویی کن و سوی نیکی گرای
بدین از تو خشنود گردد خدای

۷. شرایط پذیرش شاگرد

«از تمام قسمت‌های ایران برای استفاده از درس ملا صدرا به شیراز می‌رفتند و استاد، شاگرد را نمی‌پذیرفت، مگر اینکه شاگرد چهار شرط را بپذیرد و بدان عمل کند: اول اینکه در صدد تحصیل مال نباشد، مگر به اندازه معاش؛ دوم اینکه در صدد تحصیل مقام نباشد؛ سوم اینکه معصیت نکند و چهارم اینکه تقلید نکند. (دارای رتبه اجتهاد باشد).»

ملا صدرا می‌گفت: محال است کسی که در صدد تحصیل مال می‌باشد، بتواند تحصیل علم کند؛ [زیرا] تحصیل مال دنیا و تحصیل علم، دو عمل متخالف است که با هم قرین نمی‌شود....^۲

۱. بیدارگران اقالیم قبله، محمد رضا حکیمی، صص ۲۱۶ و ۲۱۷؛ سیمای فرزائگان، رضا مختاری، چاپ دوازدهم، صص ۳۵۳ و ۳۵۴.

۲. ملا صدرا فیلسوف و متفکر بزرگ اسلامی، هانری کربن و جمعی از خاورشناسان، ترجمه ذبیح الله منصوری، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، ص ۱۸.